

عشق زیبا - اولین سایت رسمی دکلمه شعر (ویدیو دکلمه) loveziba.com



دیدم که زمین کوچک شد  
و در پشت شستم پنهان  
یک چشمی هم میشد آن را دید  
سبز و آبی راه افتاده بود  
تا خاکسری را ببوشاند  
امانه ..

شاعر  
شیما سلطانی زاده

دکلمه  
رضا کولایی

طراح: سایت عشق زیبا

هزارپا شاعر شیما سلطانی زاده دکلمه رضا کولایی

شاعر: شیما سلطانی زاده

طراح کتاب: سایت ادبی عشق زیبا

دیدم که زمین کوچک شد

و در پشت شستم پنهان

یک چشمی هم میشد آن را دید

سبز و آبی راه افتاده بود

تا خاکستری را بیوشاند

اما نه ..

خاکستری میرفت تا سبز و آبی را بیوشد

بد هم نبود

دود سیاهی به چشم آسمان رفته بود

ساختمان ها

دراز دراز

زبان درازی می کردند

واز درازی زمین می کاستند

پل بود که پل میزد به روی شکم خیابان ها

اکثر آنها باردار از ترافیک

آنها چه باری...

کم شده بودیم

همان جا

بین آن خاکستری ها

هر کدام در پشت سلسله کوهی از هم جدا

دیگر مشکل دو پا بودن مان حل شده بود

سه پا

چهارپا

پا بود که به کمک دست ها می آمد

فکر کنم

هزار پایی شده بودیم

غصه نخور!

زمین کوچک شده بود

درست به اندازه ی شست دست من....

(پ.ن هزار پا نماد سماجت و جان سختی)

شاعر: شیما سلطانی زاده

دکلمه: رضا کولایی

دانلود دکلمه و ویدیو دکلمه شعر هزارپا با صدای رضا کولایی

<https://loveziba.com/poets-site/hezarpa/>